

## درباره کتاب سراج السائرین

ندا سقایی

عمر را در بطالت و خوش گذرانی سپری کرد. اما در طی یک تحول روحانی از دنیای بی بندوبار خویش توبه کرد و به تصوف پناه برد. در این مدت به کسب علم و معرفت روی آورد و با قرآن و حدیث آشنایی یافت. او که به کوه‌های نامق رفته بود، پس از دوازده سال ریاضت و خلوت‌نشینی در حالی که حدود چهل سال از عمرش می‌گذشت از عزلت کوهستان بیرون آمد و شروع به وعظ و ارشاد مردم کرد. مریدان بسیاری گرد او جمع شدند. سلطان وقت — سلطان سنجر — در حق وی اعتقاد تمام داشت. زهد، سادگی و صراحت کلام شیخ احمد جام موجب نفوذ روحانی او در دل دیگران بود. او مانند خواجه عبدالله انصاری، طریقت را با شریعت جمع می‌نمود و حفظ شریعت از اصول تعالیم او به‌شمار می‌آمد که این امر یادآور طریقه قشیری و امام محمد غزالی — در اواخر عمر — نیز بود. خانقاه او در معدآباد، در نزدیکی جام، یکی از مراکز فعال تصوف خراسان به‌شمار می‌آمد. او سفرهایی به نقاط مختلف کرد و در این سفرها بود که نفوذی در طبقات مختلف به‌وجود آورد و مردمانی به گرد او آمدند. رابطه او با معاصرانش قابل تأمل و بررسی است. از دلایل گسترش حکایات و روایات پیرامون کرامات وی، طول عمر، نیز کثرت مریدان و فرزندان بود. او در نود و شش سالگی پس از بازگشت از سفر حج در سال ۵۳۶ در خانقاه خود درگذشت. آرامگاهش زیارتگاه معتقدانش شد و به «تربت شیخ جام» معروف شد.

افکار و آراء عرفانی احمد جام را می‌توان از طریق نوشته‌هایش دریافت. کلام او ساده، قاطع و واعظانه است. همه آثار او منشور است و جز بعضی از قطعات و رباعیات، از شعر وی چیزی باقی نمانده است. البته دیوانی به او منسوب است که از وی نیست زیرا متضمن پاره‌ای از مضامین وحدت وجودی است که با طریقت و مشرب شیخ در التزام به شریعت مغایر است. شیخ احمد جام حدود چهارده جلد کتاب و رساله در آداب شریعت و طریقت و حقیقت تألیف کرد که می‌توان

سراج السائرین، احمد جام نامقی (ژنده پیل)، با مقدمه، تصحیح و توضیح حسن نصیری جامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹، شصت + ۴۸۰ ص.



ابونصر احمد بن ابی الحسن بن احمد بن محمد بن جریر بن عبدالله بن لیث بَجَلی نامقی جامی (۵۳۶ - ۴۴۰) معروف به پیر جام، شیخ الاسلام و ژنده پیل یکی از مشایخ بنام خراسان در عهد سلاجقه است. وی در قریه نامق از قراء ترشیز خراسان به دنیا آمد. دودمان او از نژاد عرب یمنی و از اعقاب جریر بن عبدالله بَجَلی — صحابی معروف — بودند. از دوران کودکی او اطلاع زیادی وجود ندارد جز اینکه خانواده‌اش از زارعان ساده‌دل آن دیار بودند. او در دوره کودکی خواندن و نوشتن نیاموخت و تا سن بیست و دو سالگی آنچنان که خود می‌گوید



کتاب سراج‌السائرین را می‌توان اثری اخلاقی و اجتماعی دانست که در آن بعضی از مسائل و دغدغه‌های آن عصر، بخصوص در حوزه عرفان و تصوف و نظام خانقاهی خراسان، بروز یافته است. کتاب در اصل دارای چهار مجلد بوده است که یک مجلد آن در فترت چنگیز از بین رفته و سه مجلد دیگر در هفتاد و پنج باب تا قرن نهم و زمان تألیف خلاصه‌المقامات (سال ۸۴۰) موجود بوده ولی پس از هجوم‌ها و ایلغارها تنها بیست و چهار باب - قریب به یک سوم - باقی می‌ماند که در نسخه‌ای یگانه در کتابخانه ملک - وابسته به کتابخانه آستان قدس رضوی - موجود است.

این اثر را از نظر تاریخی اولین اثر احمد جام نمی‌دانند، اما معتقدند که اولین اثر تاریخ‌دار اوست؛ چنانچه خود نویسنده تصریح می‌کند سراج‌السائرین حاصل تجربیات عرفانی و الهامات غیبی است. موضوعات آن متنوع است. شیخ جام از مسائل عرفانی و روحانی گرفته تا مسائل اجتماعی را با کلامی زیبا و واعظانه، مستدل به آیات و اخبار و آراء عارفانه-زاهدانه بیان می‌کند. بنا بر ضرورت و اهمیت آن موضوعات و بر اساس توجه شیخ به مسائل، حجم مطالب باب‌ها متفاوت است. این بیست و چهار باب در بیان فرق‌ها و تفاوت‌هاست؛ مثلاً:

باب اول «در فرق میان حال و محال»؛ باب دوم «در فرق میان آسایش خلق و هوی پرستی»؛ باب سوم «در فرق میان خانقاه‌داری و دکان‌داری»؛ باب چهارم «در فرق میان پیری و خواجگی جستن»؛ باب پنجم «در فرق مریدی و کاهلی و بی‌کاری» و...

وی در این باب‌ها، ابتدا به توضیح هر یک از دو مؤلفه متفاوت می‌پردازد و سپس با اشاره به آیات، اخبار، امثال و حکایات، فاصله‌ها و تفاوت‌های آن مقوله‌ها را در سلوک دینی و عرفانی و تعاملات اجتماعی برمی‌شمارد. او می‌خواهد به خصلت «سراج» به روشنی و وضوح، به نقد راستی و ناراستی بپردازد. در اول هر باب مجموعه‌ای از القاب و عناوین برای شیخ ذکر شده که به احتمال زیاد این قسمت‌ها الحاقی است و آن را مریدانی که به کتابت سخنان شیخ در مجلس و عطا می‌پرداختند بدان اضافه کرده‌اند.

نثر سراج‌السائرین از نمونه‌های نثر مرسل دوره غزنوی و سلجوقی و متأثر از سنت مجلس‌گویی و خطابه‌های منبری است که حدود چهارصد سال پیش از شیخ جام سابقه داشته است.

به مفتاح‌النجات (۵۲۲)، روضة‌المذیبین (۵۲۰)، سراج‌السائرین (۵۱۲)، انس‌التائبین، رساله سمرقندیه، کنوز‌الحکمه (۵۳۳)، بحار‌الحقیقه (۵۲۷) را نام برد. بسیاری از آثار دیگر او همچون مفتاح‌القلوب، فتوح‌الروح، تذکیرات، اعتقادنامه، زهدیات و بخش مهمی از اشعار و دیوانش در گذر زمان و آشفتگی‌های روزگار از میان رفته و تنها نامی از آنها برجای مانده است.

درباره احمد جام کتاب‌هایی پرداخته‌اند مانند نور‌الحقایق از پسرش ظهیرالدین عیسی، رساله‌ای از پسر دیگرش شهاب‌الدین اسمعیل، مقامات سدیدالدین محمد بن موسی بن یعقوب غزنوی، خلاصه‌الحقایق از عمادالدین فاریابی، مقامات از رضی‌الدین علی بن ابراهیم بن الیاس تایبادی، مقامات از احمد ترخستانی، خلاصه‌المقامات از ابوالمکارم بن علاء‌الملک جامی، مقامات از درویش علی بوزجانی، مقامات از تاج‌الدین محمود بوزجانی و منظومه‌ای از بهاء‌الدین جامی. بعضی از این کتاب‌ها از بین رفته‌اند و بعضی به چاپ رسیده‌اند. کتاب خلاصه‌المقامات ابوالمکارم در سال ۱۳۳۵ در لاهور چاپ سنگی و کتاب مقامات ژنده‌پیل به کوشش حشمت موید سنندجی در سال ۱۳۴۵ در تهران چاپ شده است. مقامات ژنده‌پیل، اثری است مشحون از غلو و خرافات درباره کرامات شیخ که یکی از مریدان ساده‌اندیش و خوش‌باور او آن را در اثبات بزرگی شیخ جام نوشته است.

شکی نیست که از طریق خود آثار شیخ می‌توان چهره واقعی او را شناخت و حقیقت احوال و آراء او را از میان تصاویر مبالغه‌آمیز و احتمالاً نادرست راویان و مقامات‌نویسان پیدا کرد. علاوه بر این، مطالعه آثار او مانند بررسی زندگی و اندیشه دیگر بزرگان تصوف یکی از راه‌های استخراج تاریخ فکر و تاریخ اجتماعی-فرهنگی ایران است که از این رهگذر می‌توان به مصداق حقیقی تاریخ، به معنای امروزی، که آگاهی از زندگی عامه مردم و اوضاع و احوال اجتماعی است دست یافت.

این امر شاید یکی از دلایلی است که حسن نصیری جامی برای تصحیح سراج‌السائرین داشته است. زیرا با ارائه این اثر شیخ جام حقیقی را می‌توان فارغ از شیخ جام ساخته و پرداخته کرامت‌باقران و مقامات‌نویسان شناخت. پیش از این، نصیری جامی کتاب کنوز‌الحکمه شیخ جام (۱۳۸۷)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) را در کارنامه خود ثبت کرده بود.

کتاب شامل پیشگفتار و مقدمه مصحح، متن، توضیحات و فهرست‌ها (فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست امثال، فهرست اشعار، فهرست اعلام، فهرست اصطلاحات مهم خانقاهی، فهرست اصطلاحات و ترکیبات مهم، راهنمای تعلیقات و فهرست منابع و مأخذ) است. نصیری جامی مقدمه‌اش را در پنج بخش نوشته است:

بخش اول مقدمه تأملی است بر ساختار کتاب سراج‌السنائرین؛ در این بخش موضوع، هدف مؤلف از تألیف کتاب، تاریخ نگارش و... بیان می‌شود. ساختار کتاب با کتاب‌های دیگر شیخ مقایسه می‌شود. در همین بررسی‌ها به این احتمال می‌رسد که مقدمه اثر بعدها به آن اضافه شده است. اما چون اساس کار مصحح مبتنی بر تک‌نسخه بوده است از اظهار نظر قطعی پرهیز می‌کند.

بخش دوم جلوه‌هایی از مجلس گویی و نثر شیخ جام را بازگو می‌کند؛ این نثر آمیزه‌ای است از جملات واعظانه و سرشار از تحذیر و انذار با نثر شاعرانه و ذوقی. مصحح به نموده‌های این اسلوب ادبی می‌پردازد که شامل خطاب‌ها و تحذیرها، خوداتهامی‌ها، تکنیک‌های کلامی شیخ، توجه او به زبان ادبی و سخن‌آفرینی، ظرافت او در به‌کاربردن آیات و اخبار، ترجمه‌های زیبا و استفاده از اشعار، امثال و حکایات است.

بخش سوم در خصوص پیام‌های اخلاقی و اجتماعی شیخ است. مصحح معتقد است که این کتاب جنبه اجتماعی و اخلاقی پرتأثیری دارد. شیخ احمد جام همچون یک مصلح اجتماعی به مسائل این حوزه‌ها توجه دارد چنانکه می‌توان این اثر را یک نصیحت‌نامه اجتماعی و اخلاقی منسجم دانست. پس، مصحح به مهم‌ترین رویکردهای شیخ در این زمینه که درباره توبه، نیت نیک، توجه به عقل و علم در زندگی، خدمت به خلق و دوری از ریا است می‌پردازد.

بخش چهارم جانب اجتماعی سراج‌السنائرین را بررسی می‌کند. این اثر اگرچه یک اثر تاریخی و اجتماعی نیست ولی در میان مطالب واعظانه و عارفانه‌اش نکاتی دارد که باعث شناخت تاریخ اجتماعی ایران آن دوره می‌گردد. پس، مصحح به تشریح اوضاع و احوال عصر شیخ می‌پردازد. نصیری جامی به مطالب خود کتاب استناد می‌جوید و دغدغه‌های اجتماعی شیخ را شامل نگرانی او نسبت به دنیاجویی و حرص

و طمع دنیامداران، غفلت از دین‌ورزی، ترس اجتماعی و وحشت از صاحب‌منصبان اهل دنیا، گسترش نفاق، دورویی، حرام‌خواری، آزار اهل ایمان و تحقیر اهل توبه، شکم‌بارگی صوفیان، دنیا دوستی علما و مشایخ، نااهلی مریدان و ناخلفی پیران می‌داند. مصحح از غربت اندیشه شیخ در بخشی از اقلیم باورها و نظام خانقاهی خراسان سخن می‌گوید و معتقد است که حقیقت تعالیم و سلوک او را مریدان معاصرانش نفهمیدند و با ساختن حکایات غلوآمیز و سخنان نامعتبر در حق شیخ جور و جفا کردند.

بخش پایانی در باب «معرفی نسخه و روش تصحیح» است. نسخه خطی کتاب سراج‌السنائرین به خط نستعلیق خواناست. متأسفانه نام کاتب و تاریخ کتابت آن از بین رفته است.

اما از قرائن برمی‌آید که نسخه مربوط به قرن ده باشد. مصحح تصویر صفحات اول و پایانی نسخه را ضمیمه این بخش کرده و ویژگی‌های آن را برمی‌شمرد. لغات و عبارات خاص شیخ را با مراجعه به آثار دیگر او توضیح داده و با ملاحظه کاربردها و عبارات مشابه، این موارد را در پاورقی و توضیحات متن آورده است. او توضیح می‌دهد که در نهایت، موارد مبهم‌مانده را در پاورقی‌ها متذکر شده و در مواردی که عبارات نارسا می‌نمود و حرف یا واژه‌ای به اقتضای معنی از اصل ساقط شده بود به روش و ضرورت تصحیح آن واژه را بین دو قلاب [ ] افزوده است.

در قسمت توضیحات، مصحح به توضیح ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌های ادبی، تفسیر آیات، احادیث و ذکر تلمیحات و داستان‌ها، بیان معانی لغات و اصطلاحات و معرفی و توضیح اشخاصی که نامشان در کتاب آمده است می‌پردازد.

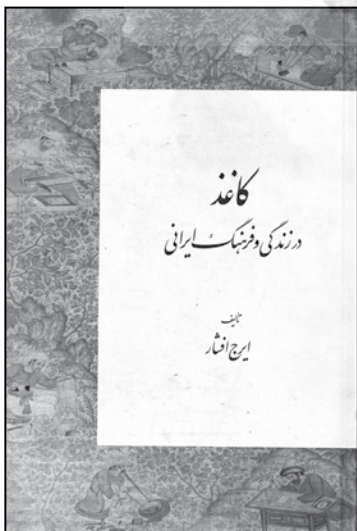
فهرست‌های نه‌گانه کتاب شامل موارد زیر است: فهرست آیات قرآن، فهرست احادیث قدسی و نبوی، اخبار، آثار و اقوال؛ فهرست امثال و سخنان بزرگان؛ فهرست اعلام، شامل نام اشخاص، قبایل، مناطق جغرافیایی و کتاب‌ها؛ فهرست اصطلاحات خانقاهی؛ فهرست اصطلاحات و ترکیبات مهم؛ راهنمای تعلیقات و فهرست منابع و مأخذ.

در بررسی تطبیقی عناوین فهرست با عناوین داخل کتاب عناوین باب‌های هفت، نوزده و بیست به صورت مختصر آمده است. از آنجا که عنوان تمام باب‌ها طولانی است و این باب‌ها

راهنمای توضیحات» عنوان این بخش شود. در فهرست منابع و مأخذ، مشخصات چاپی کتاب‌ها آمده است. چنانچه معمول و مرسوم است نام شهر محل چاپ یکی از بخش‌های این اطلاعات است. این کار در بعضی از آنها صورت گرفته و در بعضی نه. این به علت اشتباه نام و محل انتشارات نبوده است زیرا مثلاً در جایی در کنار نام انتشاراتی معروفی نام محل و شهر ذکر شده و در جای دیگر نیامده که به نظر می‌رسد بیشتر از سر بی‌دقتی باشد.

در مقدمه جای بخشی درباره زندگی احمد جام خالی است. از آنجا که مصحح کار خود را در ادامه کار دکتر علی فاضل می‌داند و ایشان در کتاب شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام مفصلاً به موضوعاتی چون اصل و نسب شیخ، بدایت احوال، تحصیلات، سفرها و مذهب او پرداخته، شاید از آوردن مطالبی در این باره پرهیز کرده است. در مقدمه هر آنچه درباره کتاب گفته شده به قسمت‌هایی از خود متن ارجاع داده شده و عیناً نقل شده است که این موجب اعتماد خواننده به نظر مصحح و نوع استنباط او از متن می‌شود ■

فقط چند کلمه بیشتر دارند، پسندیده‌تر آن بود که عنوان آنها هم کامل بیاید. پس اگر عنوان باب هفتم که «در فرق میان کسب‌کننده به هوی و...» است «در فرق میان کسب‌کننده به هوی و کسب‌کننده به حجت»، عنوان باب نوزده که «در فرق میان نَمّامی کردن و...» است «در فرق میان نَمّامی کردن و نصیحت‌گفتن»، عنوان باب بیست و دوم که «در فرق میان حریصی بر کار دنیا و...» است «در فرق میان حریصی بر کار دنیا و ریاضت نفس» می‌شد، فهرست ابواب کمتر مبهم می‌بود. اما در عناوین فهرست‌هایی که مصحح فراهم آورده است عدم تطابق این عناوین با داخل متن دیده می‌شود؛ مثلاً در فهرست‌ها آمده: «فهرست احادیث» ولی در متن شده: «فهرست احادیث (قدسی و نبوی)، اخبار، آثار و اقوال»؛ در عنوان فهرست آمده «فهرست امثال» در متن شده «فهرست امثال و سخنان بزرگان». «فهرست راهنمای تعلیقات» هم کمی مبهم است زیرا اصطلاح «توضیحات» به جای «تعلیقات» استفاده شده و در آن لغات و اصطلاحات، ترکیبات و اسامی که در توضیحات به آنها پرداخته شده آمده است. پس بهتر می‌بود «فهرست



## برگزیده هفدهمین دوره جایزه کتاب فصل

بهار ۱۳۹۰

### کاغد در زندگی و فرهنگ ایرانی

تألیف زنده یاد استاد ایرج افشار